سرخط

یک صحنه تلخ

جعفر رشادتی

فاصله منزل تا محل کارش نسبتاً زیاد بود، به همین دلیل نزدیکی‌های ساعت چهار صبح بیدار می‌شد و همسرش مثل همیشه فلاسک چای را با نان و پنیر داخل دستمال کنار پله می‌گذاشت تا آقارمضان موقع رفتن به محل کار با خود ببرد. هنوز اذان صبح نشده وضو می‌گیرد و به‌آرامی موتورگازی خودرا از حیاط بیرون می‌آورد و تا سر کوچه که متصل به خیابان اصلی است آن را روشن نمی‌کند که مبادا صدای آن مزاحمتی برای همسایه‌ها در آن وقت شب ایجاد کند. چهل وپنج دقیقه در تاریکی شب در خیابان‌های خلوت تهران سوار بر موتور حرکت می‌کند تا بالاخره به محل کارش می‌رسد. موتور را کنار بزرگراه با زنجیر به درختی می‌بندد و در سکوت سحرگاه در کنار بزرگراه رو به قبله می‌ایستد و با خدای خود راز و نیاز می‌کند. بعد لباس کار خود را می‌پوشد و مشغول جارو کردن حاشیه بزرگراه می‌شود هر چند متری که جارو می‌زند، می‌ایستد و دستی به سر و صورتش می‌کشد. احساس می‌کند سرما تا مغز استخوان‌هایش نفوذ کرده است، کنار بزرگراه می‌نشیند، چای می‌نوشد و دوباره بلند می‌شود. صدای خش خش برخورد جارو بر آسفالت با زمزمه‌های آقا رمضان در هم می‌آمیزد: «اگر غم اندکی بودی چه بودی...» ناگهان خودرا در میان زمین و هوا احساس می‌کند و در حالی که محکم با دو دست دسته جارو را می‌فشارد با برخورد جسم نیمه جانش روی آسفالت نگاهش به کامیونی که از کنار او می‌گذرد خیره می‌ماند. راننده کامیون لحظه‌ای مکث می‌کند، از آینه نگاهی می‌اندازد و تن نیمه جان آقارمضان را در کنار بزرگراه روی زمین می‌بیند اما در کمال خونسردی سر بر می‌گرداند و به سرعت از صحنه فرار می‌کند در حالی که آقا رمضان آخرین نفس را می‌کشد و پیکر بی‌جانش روی زمین می‌ماند. هروقت از کنار بزرگراه رد می‌شوم و آقارمضان دیگری را می‌بینم که مشغول جارو کردن است با خود می‌گویم شاید یکی از خطرناک‌ترین شغل‌ها را این قشر زحمت کش دارند چون هر شب درست در نقطه هدف و تیررس رانندگانی هستند که با سرعت و بی‌توجه به مقررات از کنار آن‌ها می‌گذرند، بیشتر که به فکر فرو می‌روم با خود می‌گویم آیا این دیگری طلوع فجر فردایش را خواهد دید؟ راستی راننده کامیونی که به جای رساندن جسم نیمه جان آقا رمضان به بیمارستان از محل فرار کرده و موجب مرگ او شده است آیا توانایی فرار از مکافات عمل و عذاب الهی را خواهد داشت؟ آیا او فکر می‌کند مرگ به سراغ او نخواهد آمد و آیا هیچ به فکرش رسیده که خودروزی ممکن است نگاهش در آینه ماشین دیگری برای همیشه خیره بماند.

ازمیان‌خبرها

ازدواج دختر تهرانی با پسر آزارگر

دختر جوان وقتی با پسری که او را آزار داده بود ازدواج کرد، در دادگاه شکایت خود را پس گرفت. اسفند سال ۹۶ مردی همراه دختر ۱۸ ساله اش به نام نگین به پلیس آگاهی رفت و از پسر ۲۵ ساله ای به نام مانی شکایت کرد. این مرد گفت: مدتی بود به رفتارهای دخترم مشکوک شده بودم تا این که عکس های تولد او را در اینستاگرام دیدم. یک پسر در حال بوسیدن دخترم بود. پسر جوان دخترم را فریب داده و از او سوءاستفاده کرده است. به همین دلیل از او شکایت دارم. با شکایت این مرد پرونده‌ای در این زمینه گشوده شد و دختر جوان تحت بازجویی قرار گرفت. وی گفت: مدتی است با مانی آشنا شده ام. او به من وعده ازدواج داده بود. به همین دلیل با او رابطه برقرار کردم. او با حرف هایش مرا فریب داده است. حالا مانی عکس های مرا در فضای مجازی منتشر کرده و از او شکایت دارم. با این ادعاها پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در حالی که مانی منکر آزار و اذیت دختر مورد علاقه اش بود، به شلاق و دو سال تبعید محکوم شد. دختر جوان دیروز در حالی که در راهروی دادگاه کیفری یک استان تهران نشسته بود به خبرنگار ما گفت: بعد از شکایت از مانی، او به خواستگاری ام آمد و ما با هم ازدواج کردیم. او پسر خوبی است. تک فرزند است و پدرش سال ها قبل فوت کرده و مادرش ناشنواست. مانی مربی باشگاه است و در کارخانه پدربزرگش کار می کند. من هم در آرایشگاه کار می کنم و زندگی خوبی داریم اما حالا اگر قرار باشد حکم شلاق و تبعید مانی اجرا شود ما نمی توانیم زندگی خوبی با هم داشته باشیم. وی درباره علت شکایت اولیه اش از مانی گفت: یک سال قبل نامادری ام به زور مرا به دادگاه آورد و از من خواست زیر برگه هایی را که نمی دانستم چیست امضا کنم. من بعد از امضا متوجه شدم نامادری ام علیه مانی شکایت و او را متهم به آزار من کرده است. اما این شکایت دروغ است.

۱۴۰ سال زندان برای شیطان شرق پایتخت

مرد جوان که پنج زن را در شرق تهران در ارابه شیطانی اش گرفتار کرده و آن ها را آزار داده بود، دیروز به ۱۴۰ سال زندان محکوم شد.

این شیطان وقتی پای میز محاکمه ایستاد، از زنان تهرانی طلب بخشش کرد.

■ **۵ زن در ارابه شیطان**

رسیدگی به این پرونده از آذر سال ۹۶ به دنبال شکایت مشابه چند زن جوان که در پراید سفید یک مرد شیطان صفت گرفتار شده و مورد آزار قرار گرفته بودند در دستور کار پلیس قرار گرفت. شواهد نشان می‌داد مرد شیطان صفت در پوشش مسافربر زنان جوان را به دام می انداخت و در خیابان‌های خلوت شرق تهران آن ها را آزار می‌داد.

■ **بازداشت پسر شیطان**

پلیس با اطلاعاتی که از این زنان به دست آورد، سرانجام مرد شیطان صفت را یافت و وی را بازداشت کرد. احسان ۳۱ ساله که مجرد است و هیچ سابقه کیفری در پرونده‌اش ندارد، جرم سیاهش را گردن گرفت و دیروز به اتهام پنج آدم ربایی ،سرقت مقرون به آزار، ارتباط نامشروع ،ایراد ضرب و جرح عمدی و آزار پنج زن جوان در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

■ **در دادگاه**

در ابتدای جلسه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و برای متهم اشد مجازات خواست. سپس شاکی ها به تشریح شکایت شان پرداختند. نخستین شاکی دختر جوانی بود که روبه روی قضات ایستاد و گفت: آن روز برادرم مرا در حوالی مینی سیتی از ماشین پیاده کرد تا به خانه برگردم. من از اتوبان عبور کردم و در لاین مخالف منتظر تاکسی ماندم. همان موقع یک پراید جلوی پایم ایستاد. می خواستم روی صندلی عقب بنشینم اما راننده خودش ،در جلو را برایم باز کرد و من روی صندلی شاگرد کنار راننده نشستم. راننده مرد قوی هیکلی بود. او پس از طی مسافتی به سمت خیابانی خلوت رفت. من به او اعتراض کردم اما با مشت به صورتم زد که پیشانی و بالای ابرویم زخمی شد. او دست هایش را روی گلویم گذاشته بود و می خواست مرا خفه کند که ساکت شدم، سپس در خیابانی خلوت بدون توجه به التماس هایم مرا آزار داد و از ماشین به بیرون پرت کرد. من از این متهم شاکی هستم.

دومین شاکی که زن جوانی بود به قضات گفت: من در حوالی خیابان نوبنیاد سوار پراید این مرد شدم. حرکات او مشکوک بود به همین دلیل تصمیم گرفتم زودتر از ماشین پیاده شوم. از راننده خواستم توقف کند اما به حرفم گوش نداد. می خواستم در ماشین را باز کنم اما راننده دستگیره در را دستکاری کرده بود. به همین دلیل در ماشین باز نمی شد. سپس او مرا به خیابانی خلوت برد و آزارم داد.

وی که از به خاطر آوردن صحنه های دلهره آور به گریه افتاده بود افزود: من می خواستم مقاومت کنم اما او به شدت مرا کتک زد و پیچ گوشتی را روی شکمم گذاشت و به شدت فشار داد که در این ماجرا کلیه ام آسیب دید. او به خواسته سیاهش رسید و مرا از ماشین به بیرون پرت کرد.

وی گفت: این ماجرا تأثیر بدی در روحیه‌ام گذاشته و با این که حدود یک سال از این ماجرا گذشته جرئت ندارم به تنهایی از خانه خارج شوم.

سومین زن نیز گفت: چهاردهم آذر ماه بود که در میدان رسالت سوار پراید متهم شدم تا از محل کار به خانه برگردم اما راننده در زیر گذر اتوبان شهید بابایی وقتی که قصد داشتم از ماشین پیاده شوم با من درگیر شد و مرا کتک زد و سپس آزارم داد. او پس از سرقت کیفم، مرا در حوالی بیمارستان الغدیر از ماشین پیاده کرد و گریخت.

دو زن دیگر نیز به تشریح شکایت شان پرداختند و برای متهم اشد مجازات خواستند.

■ **پشیمانی شیطان**

مرد شیطان صفت وقتی روبه روی قضات ایستاد، همه اتهاماتش را پذیرفت و گفت: قبول دارم که اشتباه کرده ام. پدرم به تازگی فوت کرده بود و من تحت تاثیر ماجرای فوت پدرم دچار افسردگی شده بودم. حال خودم را نمی فهمیدم و هنوز هم نمی دانم چرا دست به چنین کاری زدم. من مشکل روانی داشتم به همین دلیل بی هدف در خیابان ها پرسه می‌زدم. وی ادامه داد: من هیچ سابقه کیفری ندارم و این اولین خلافی است که مرتکب شده‌ام. به همین دلیل از شاکی ها و قضات دادگاه تقاضا دارم مرا ببخشند.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و متهم را به دلیل پنج آدم ربایی به پنج بار زندان ۲۲ و نیم ساله، به دلیل سرقت به ۱۵ سال زندان، به دلیل تخریب موبایل ها به چهار سال و نیم زندان، به دلیل ضرب و جرح به هفت سال و نیم زندان و به دلیل رابطه نامشروع به ۱۱۰ سال زندان محکوم کردند.

■ تحلیل کارشناس

شکارچیان زنان

سرهنگ بازنشسته احسانی فر متاسفانه بیماران اجتماعی راه های زیادی برای شکار زنان و دختران دارند که البته همیشه از سهل انگاری طعمه هایشان سود می برند.

یکی از متداول ترین روش ها برای شکارهای شوم زنان و دختران، سوار کردن آن ها به بهانه مسافرکشی است که در سال های گذشته با توجه به گسترش شهرها و ازدحام جمعیت شاهد رواج آن هستیم و همیشه زنان تنها به دلیل عجله در رسیدن به مقصد یا ارزان تر بودن قیمت یک خودروی شخصی نسبت به تاکسی یا خودروهای آژانس به این دام ها می افتند.

باید متذکر شوم برخلاف تصوراتی که وجود دارد خلافکاران قیافه هایی متفاوت از دیگران ندارند و خیلی معمولی هستند پس نباید از روی چهره به کسی اعتماد کرد و پیر و جوان هم نمی شناسد.

خودروها هم متفاوت نیستند، نباید تصور کنیم همه مانند خفاش شب از داخل خودرو دستگیره در را برداشته اند تا باز نشود. شاید خودروی بسیار مرتب و تمیزی هم باشد و نباید از ظاهر خودرو درباره سلامت راننده آن قضاوت کرد.

زنانی که برای رسیدن به مقصد خودروی شخصی را انتخاب می کنند، گاهی برای امنیت خود معیارهایی دارند به ویژه این که اگر خودروی مسافرکش شخصی یک مسافرزن داشته باشد آن را انتخاب می کنند این در حالی است که شاید آن زن در مسیر کوتاهی از خودرو پیاده شود و راننده با آگاهی از آن نیت شوم خود را برنامه ریزی کرده باشد البته شاهد پرونده هایی بوده ایم که یک زن همدست راننده شیطان صفت بوده است و برای فریب زنان مسافر در صندلی جلو نشسته و شاهد اقدامات شیطانی راننده نیز بوده و از این صحنه فیلم برداری هم کرده است.

ابتدا توصیه می شود زنان و دختران اگر تنها هستند به هیچ عنوان از خودروهای مسافرکش شخصی تایید نشده از سوی سازمان های مسئول استفاده نکنند، حتی اگر عجله دارند یا باید قیمت بیشتری بپردازند. از سوی دیگر مسئولان حمل و نقل عمومی شهرها نیز موظفند بیشترین تمهیدات را در نظر بگیرند و ناوگان های اتوبوسرانی و مترو و تاکسی ها به اندازه‌ای سازمان یافته و تحت کنترل باشند تا شاهد استفاده اجباری از خودروهای مسافرکش نباشیم.

قتل پسر تهرانی در صحنه سرقت خونین

پسر جوان در یک قدمی خانه‌شان هدف زورگیران خشن قرار گرفت و با ضربه چاقو به کام مرگ فرو رفت.

ساعت ۲۴ شامگاه چهارشنبه ۱۵ آبان امسال دزدگیر خودرویی در کوچه جابری شهرک شریعتی به صدا در آمد و صاحب خودرو از خانه اش بیرون آمد که ناگهان با صحنه عجیبی روبه رو شد؛ پسر جوانی غرق خون روی زمین و کنار خودرویش افتاده بود که او خیلی زود با اورژانس تماس گرفت و امدادگران با حضور در محل اقدامات پزشکی را برای نجات جان این جوان ناشناس آغاز کردند.

بدین ترتیب، تیمی از ماموران کلانتری ۱۵۲ خانی‌آباد به محل اعزام شدند و زمانی که تیم پزشکی قصد انتقال این جوان به بیمارستان را داشتند یکی از مغازه داران با دیدن صورت پسر جوان ادعا کرد که او را می‌شناسد.

پسر جوان که با مرگ دست و پنجه نرم می کرد به بیمارستان منتقل شد و با شناسایی خانواده اش خیلی زود پدر و مادر ابوالفضل به بیمارستان رفتند اما وقتی پای در آن جا گذاشتند با تلخ ترین خبر زندگی شان روبه رو شدند.

ابوالفضل به خاطر ضربه چاقویی که به قلبش وارد شده بود تسلیم مرگ شد و تلاش پزشکان برای نجات او بی نتیجه ماند.

بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات ویژه وارد عمل شدند و در گام نخست پدر ابوالفضل که یک مغازه کفش فروشی در بازار تهران دارد هدف تحقیق قرار گرفت.

پدر جوان به ماموران گفت: پسر ۱۸ ساله‌ام در یک مغازه تولیدی در منطقه هفت تیر کار می کرد و هر روز همراه من از خانه خارج می‌شد و شب ها نیز پس از پایان کار به مغازه من می‌آمد و با هم به خانه باز می گشتیم.

وی افزود: ساعت ۲۲:۳۰ بود که همراه ابوالفضل به سر کوچه رسیدیم، پسرم برای خرید از من جدا شد و من به خانه رفتم تا این که ساعت ۲۴ صدای زنگ خانه به صدا در آمد، وقتی وارد کوچه شدم خودروی آمبولانس و پلیس در کوچه بود و از اهالی محل شنیدم که پسرم زخمی شده است. نمی دانم چه اتفاقی برای پسرم افتاده، او با هیچ کسی اختلاف نداشته است.

کارآگاهان در تحقیقات پلیسی پی بردند که موبایل ابوالفضل به سرقت رفته است بنابراین فرضیه قتل برای سرقت در دستور کار ماموران قرار گرفت و تیم پلیسی دوربین های مداربسته را در نزدیکی محل جنایت مورد بررسی قرار دادند.

بررسی ها نشان می داد ابوالفضل پس از خرید با پای پیاده به سمت خانه‌شان در حال حرکت بوده که در وسط کوچه یک جوان از پشت به او حمله کرده و قصد سرقت موبایل ابوالفضل را داشته است اما پسر جوان در برابر دزدان خشن مقاومت می کند و سارق برای اجرای نقشه اش با چاقو ضربه‌ای به قلب ابوالفضل می زند و پس از سرقت موبایل سوار بر موتور همدستش پا به فرار می گذارند.

بنا به این گزارش، با گذشت شش روز از این جنایت تحقیقات کارآگاهان جنایی برای دستگیری عاملان این سرقت مرگبار ادامه دارد.

آگهی تغییرات شرکت جهانگیر سازان شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۸۶۷۵ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۴۴۳۸۹
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
نشانی مرکز اصلی شرکت از محل قبلی به آدرس استان خراسان رضوی ، شهرستان مشهد ، بخش مرکزی ، شهر مشهد هاشمیه ، بلوار هاشمیه (شهید صارمی ۲۱) بن بست هاشمیه ۱۱/۱ ، پلاک ۶۵، طبقه اول کد پستی ۹۱۷۸۶۵۳۴۳۴ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۲۹۲۹۴)
م/۹۸۱۰۴۰۷۹

آگهی تغییرات موسسه قرض الحسنه جواد الائمه درود نیشابور
موسسه غیر تجاری به شماره ثبت ۱۹ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۰۷۰۰۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۱ و نامه شماره ۱۱۰۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۱۰ سازمان اقتصاد اسلامی ایران تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
- محمد درودی شماره ملی ۵۷۴۹۶۶۵۷۸۱ به سمت بازرس اصلی و سیداسماعیل حسینی شماره ملی ۱۰۶۱۷۹۱۰۵۱ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند .
- اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل انتخاب گردیدند:
۱-سیدشبیرموسوی نیا به شماره ملی ۵۷۴۹۲۶۷۱۷۲
۲-عباسعلی درودی به شماره ملی ۵۷۴۹۶۲۰۷۸۶
۳-حسین دلخوش به شماره ملی ۵۷۴۹۲۸۵۹۶۰
۴-رضا درودی به شماره ملی ۵۷۴۹۳۰۳۵۳۵
۵-باقر درودی به شماره ملی ۵۷۴۹۲۷۴۰۴۷ ۶-سیدجوادموسوی به کدملی ۵۷۴۹۲۶۷۹۸۹
۷-سیدمحمدحسینی به شماره ملی ۵۷۴۹۲۷۱۲۸۵ به مدت بعنوان اعضای اصلی و ۱- سیدمحمدحسینی به شماره ملی ۵۷۴۹۲۷۱۲۸۵ ۲-محمدحسن درودی به شماره ملی ۵۷۴۹۶۵۷۵۸۲ ۳-سیدعلی سیدی حائری به شماره ملی ۵۷۴۹۲۷۶۰۴۱ ۴-محمدعلی حجتی به شماره ملی ۵۷۴۹۵۷۳۸۸۵ ۵- سیدتقی حسینی به شماره ملی ۵۷۴۹۲۶۵۸۸۹بعنوان اعضای علی البدل هیئت مدیره برای مدت دوسال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار روزنامه خراسان جهت درج آگهی صندوق تعیین گردید. صورتهای مالی سال ۹۷ مورد تصویب قرار گرفت.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری زبرخان (۶۲۹۳۲۶)
م/۹۸۱۰۴۰۸۰

آگهی تغییرات شرکت مبتکران فناوری رابین ایرانیان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۶۳۳۰۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۲۷۱۷۲۷
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
۱-آقای مجتبی استثنائی به شماره ملی ۰۹۳۲۲۷۸۰۳۵ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای محمدرضا محمودی به شماره ملی ۰۹۴۱۰۲۳۴۴۳ به سمت مدیرعامل وعضو هیئت مدیره و آقای علی اسعدی نیا به شماره ملی ۰۶۵۳۱۸۸۰۵۶ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره برای مدت باقیمانده تصدی تا تاریخ ۹۸/۹/۲۲ انتخاب گردیدند .
-کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها و عقوداسلامی با امضای مشترک مدیرعامل و یک نفر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد
(۶۲۹۳۶۹)
م/۹۸۱۰۴۰۸۳

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

« آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای»
شرکت آب و فاضلاب مشهد در نظر دارد با رعایت مفادآیین نامه معاملات شرکت های آب و فاضلاب شهری و استانی و از طریق مناقصه عمومی کالای مشروحه ذیل را از تولید کننده یا تأمین کننده ذیصلاح خریداری نماید .

موضوع	استاندارد تولید / سایر مشخصات	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع به کار ریال	نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار
خرید کلتور ۱/۲ مولتی جت خشک به تعداد ۲۰/۰۰۰عدد	Iso ٤٠٦٤, oiml r ٤٩	۲/۳۹۸/۰۰۰/۰۰۰	۱.واریز نقدی به حساب جاری شماره ۱۰۰۰۵۰۰۰۵ بانکی پاسارگاد شعبه آبفای مشهد۲. ضمانتنامه بانکی ۳.اوراق مشارکت ٤. چک تضمین شده بانکی

۱. کارفرما : شرکت آب و فاضلاب مشهد۲. محل تأمین اعتبار : اعتبارات غیر عمرانی ۳. تاریخ دریافت اسناد مناقصه : از تاریخ درج آگهی لغایت مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۸ از محل دفتر قراردادهای شرکت آب و فاضلاب یا در سایت اینترنتی http://iets.mporg.ir قابل دریافت می باشد شماره تلفن ۴۰۵۱۳۷۰۰۸۱۴۹ ٤. تاریخ تحویل اسناد مناقصه : مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۹ - ۵. محل تسلیم پاکات مناقصه : مشهد ، خیابان فلسطین ، فلسطین ۲۶ ، دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب مشهد و در صورت ابهام با شماره ۰۵۱۳۷۰۰۸۱۴۹ تماس حاصل نمایید .۶. تاریخ بازگشایی پاکات مناقصه مورخ : ۱۳۹۸/۰۹/۱۰ - ۷.مدت اعتبار پیشنهادات از تاریخ تحویل پاکات پیشنهاد قیمت به مدت سه ماه می باشد . ۸. هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.
دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب مشهد
د/۹۸۱۰۴۱۶۸